

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)

سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۵۶-۱۲۵

پژوهشی در اشعار عربی مقدمه و خاتمه تاریخ بیهق

سلمان ساکت*

چکیده

تاریخ بیهق اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی، معروف به ابن فندق، یکی از مهم‌ترین تواریخ محلی ایران است. این اثر همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، تاریخ ناحیه بیهق (سبزوار کنونی) و شرح احوال بزرگان و نامداران آنجاست. موضوع این کتاب جغرافیای تاریخی است که بسیاری از زوایای تاریک ناحیه بیهق و بخشهایی از خراسان آن روزگار را روشن می‌سازد. این کتاب که نخستین بار به کوشش احمد بهمنیار در سال ۱۳۱۷ خورشیدی به چاپ رسید، سرشار از اشعار عربی و فارسی است که تاکنون تحقیقی جامع درباره آنها صورت نگرفته است، حال آنکه بیهقی با احاطه کم نظیری که به ادب عربی و فارسی داشته، جای جای کتاب خود را به نمونه‌های شعری شعرای معروف و یا شاعران غیرمعروف اهل بیهق زینت داده است. در این جستار نگارنده به پژوهش درباره اشعار عربی مقدمه و خاتمه کتاب که به شیوه نثرهای مصنوع سده ششم در بر گیرنده تعداد زیادی شواهد شعری است، پرداخته و کوشیده است، افزون بر معنی ابیات، تا حد امکان مآخذ و گویندگان آنها را مشخص نماید.

واژه‌های کلیدی

تاریخ بیهق، ابوالحسن بیهقی، شعر عربی، ترجمه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد Saket_salman@yahoo.com

درآمد

تاریخ بیهقی یکی از مهم‌ترین تواریخ محلی در سده ششم هجری است. سبک نگارش کتاب در میانه سبک سده‌های پنجم و ششم قرار دارد؛ یعنی از یک سو سادگی و ایجاز و پختگی نشر قرون چهارم و پنجم در آن به چشم می‌خورد و از سوی دیگر آثار تغییر سبک و گرایش به نثر فنی رایج در سده‌های ششم و هفتم در آن دیده می‌شود (← بهار، ۱۳۸۲: ۳۶۵/۲).

یکی از بارزترین نمونه‌های گرایش نویسنده کتاب به نثر فنی آن روزگار، به دست دادن شواهد شعری فراوان از تازی و پارسی است. بیهقی همانند اغلب نویسندگان همروزگارش اوج هنر و دانش و مهارت خود را در نویسندگی، در مقدمه کتابش به رخ می‌کشد و با استفاده از واژگان تازی و به کار گرفتن صنعت سجع می‌کوشد تا توانایی خود را به خوانندگان نشان دهد. در این میان استفاده از شواهد شعری تازی یکی از بهترین راههاست تا هم علم و ادب‌دانی خود را اثبات نماید و هم خواننده را در درک بهتر و جامع‌تر مفاهیم مورد نظرش یاری کند. از این رو آشنایی با معانی و مآخذ این اشعار در درک و دریافت متن کتاب اهمیت ویژه‌ای دارد.

از آنجا که درباره این ابیات تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است، نگارنده این جستار بررسی ابیات تازی مقدمه و خاتمه کتاب را دستمایه پژوهش قرار داده و افزون بر به دست دادن معنی آنها کوشیده است تا مآخذ و گویندگان ابیات را تا حد امکان شناسایی و معرفی کند.

الف) مقدمه کتاب

وَمَا حَمَلْتُ مِنْ نَاقَةٍ فَوَقَّ ظَهْرَهَا
أَبْرًا وَأَوْفَى ذَمَّةً مِنْ مُحَمَّدٍ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲)

هیچ ماده شتری بر پشت خود نکوکارتر و پای‌بندتر به تعهد از محمد (ص) برنداشته است. این بیت و یا مشابه آن در منابع گوناگون و حتی گاه در یک منبع به افراد مختلفی نسبت یافته است. برای نمونه در السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام با اختلاف «رَحَلَهَا» به جای «ظَهْرَهَا» در ضمن قصیده‌ای به مطلع زیر از انس بن زُئیم دلیلی دانسته شده که آن را در عذرخواهی از پیامبر سروده است:

أَنْتَ الَّذِي تُهْدِي مَعَدًّا بِأَمْرِهِ
بَلَّ اللَّهُ يَهْدِيهِمْ وَقَالَ لَكَ اشْهَدِ

(ابن هشام، ۱۴۲۵-۲۰۰۵/۱۴۲۶: ۵۰/۴ نیز ← ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷/۱۹۶۷: ۲۸۲/۱۷)

همچنین در جای دیگر از همین منبع، بیت با اختلاف «رَحَلَهَا» به جای «ظَهَرَهَا» و «أَشَدَّ عَلَيَّ أَعْدَائِهِ مِنْ مُحَمَّدٍ» به جای مصرع دوم به مالک بن نمط نسبت یافته که آن را در قصیده‌ای به مطلع زیر در مدح پیامبر (ص) سروده است:

ذَكَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي فَحْمَةِ الدُّجَى وَتُخِنُّ بِأَعْلَى رُحْرَحَانَ وَصَلْدِي

(ابن هشام، همان: ۱۹۱/۴-۱۹۲ و نیز ابن اثیر، بی تا: ۲۹۴/۴)

افزون بر این در برخی از منابع به ساریه بن زینم دولی نیز منسوب شده است (ابن اثیر، ۸۹/۱ و ابشهی، بی تا: ۳۵۷).

مَنْ تَلَّقَ مِنْهُمْ تَقْلَ لَأَقِيْتُ سَيِّدَهُمْ مِثْلَ النُّجُومِ الَّتِي يَسْرِي بِهَا السَّارِي

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲)

هر یک از ایشان که را دیدار کنی می گویی: سرور آنان را ستارگانی یافتم که شبرو در پرتو ایشان شبروی می کند.

این بیت در شرح حماسه ابی تمام به عرندس کلابی نسبت یافته است (الاعلم الشنتمری، ۱۴۱۳/۱۹۹۲: ۹۰۳/۲).

تَحِيَّاتٌ كَأَنْفَاسِ الْعَوَالِي تَمَازِجُ عَرَفَهَا رِيحُ الشَّمَالِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲)

سلام و درودی چون بوی خوش عطرها که نسیم شمال با آن بوی خوش در آمیخته باشد. گوینده بیت را در منابعی که مراجعه کردم، نیافتم.

أَوْلَتْكَ أَبَائِي فَجِئْتَنِي بِمِثْلِهِمْ إِذَا جَمَعْتُنَا يَا جَرِيرُ الْمَجَامِعُ

(همان، ۲)

ای جریر! اینان نیاکان من اند، هر گاه انجمنها ما را گرد یکدیگر فراهم می آورد، تو نیز همانند ایشان را بیاور (برشمار).

این بیت از قصیده مشهور فرزددق به مطلع «وَمِنَا الَّذِي اخْتِيرَ الرِّجَالَ سَمَاحَةً / وَ خَيْرًا إِذَا هَبَّ الرِّيحُ الزَّعَازِعُ» است که در هجو جریر سروده است (فرزددق، بی تا: ۴۱۸/۱؛ شریف، بی تا: ۲۷۶/۱).

وَ كَانَ الصِّدِيقُ يَزُورُ الصِّدِيقَ لِكَسْبِ الْمَعَالِي وَ تَشْتُرُ الْعُلُومَ
فَصَارَ الصِّدِيقُ يَزُورُ الصِّدِيقَ لَشَكْوَى الزَّمَانِ وَ بَثِّ الْأَهْمُومِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۳)

(پیشتر) دوست برای کسب مقامهای والا و رواج علم و دانش به دیدار دوست می رفت.
(اینک) دوست به منظور شکایت و گله از زمانه و رفع غم و غصه به دیدار دوست می رود.
این دو بیت در یتیمه الدهر به صورت زیر آمده و از ابوسعید محمد بن احمد هروی دانسته شده است:
وَ كَانَ الصِّدِيقُ يَزُورُ الصِّدِيقَ لَشُرْبِ الْمَدَامِ وَ عَزْفِ الْقِيَانِ
فَصَارَ الصِّدِيقُ يَزُورُ الصِّدِيقَ لِبَثِّ الْأَهْمُومِ وَ شَكْوَى الزَّمَانِ
(ثعالبی، ۱۹۸۳/۱۴۰۳: ۳۹۷/۴ نیز ← همان، بی تا: ۲۰۰)

همچنین در وفیات الاعیان و ترجمه آن، منظر الانسان نیز آمده و به ابوالقاسم نصر بن احمد معروف به خبز ارزی نسبت یافته است (ابن خلکان، ۱۹۷۸/۱۳۹۸: ۳۷۷/۵ و همان، ۱۳۸۱: ۳۴۹/۳).

زَمَانِنَا ذَا زَمَانٍ سَوَاءٍ لَا خَيْرَ فِيهِ وَ لَا صَلاَحًا
فَكَلُّنَا مِنْهُ فِي عَنَاءٍ طَوِيٍّ لِمَنْ مَاتَ فَاسْتَرَا حًا
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۳)

این روزگار ما بد روزگاری است که هیچ خیر و صلاحی در آن وجود ندارد.
همه ما از این روزگار به ستوه آمده ایم، خوشا به حال کسی که درگذشت و راحت شد.
این دو بیت از علی بن احمد فَنَجَرْدِي است که یاقوت در معجم الادباء آنها را به همراه بیت زیر از کتاب الوشاح بیهقی نقل می کند و می نویسد: «قال البیهقی: وَ انشَدَنِي لِنَفْسِهِ»:

هَلْ يَصِرُ الْمَيْلِسُونَ فِيهِ لِيَلَّ لَأَحْزَانِهِمْ صَباَحًا
(یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۱۶۶۵/۴)

مَضَى الْعِلْمَاءُ وَ انْقَرَضُوا وَ هَا أَنَا لِلرَّدَى غَرَضٌ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۴)

دانشمندان در گذشتند و از میان رفتند، اینک من هم نشانه و هدف نابودیم.
صاحب یتیمه الدهر این بیت را از ابوالقاسم عبدالله بن عبدالرحمن دینوری دانسته است (ثعالبی، ۱۴۰۳: ۱۵۶/۴).

وَمَا تَسْتَوِي أَحْسَابُ قَوْمٍ تُورِثُ قَدِيمًا وَأَحْسَابُ بُشْنٍ مَعَ الْبَقْلِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۴)

آنان که حسب و نسب را از دیرباز به ارث برده‌اند، همچون گروهی نیستند که همراه علفهای هرز رسته‌اند.

این بیت در دیوان الحماسه و الاصابه به عمرو بن هذیل عبدی ربعی نسبت یافته است (ابوتمام، ۱۹۹۸/۱۴۱۸: ۳۱۵ و ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۲۱/۵).

همچنین در تاریخ جهانگشای جوینی بدون ذکر شاعر (جوینی، ۱۳۸۲: ۵/۱) و در دستور الوزاره با اختلاف «فلا تستوی» به جای «و ما تستوی» نیز آمده است (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۶۶).

وَمَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَلَّ السَّوَابِيَا

کسی که آهنگ دریا کند، جویبارها را اندک می‌شمارد.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۴)

مصراع دوم بیتی از متنبی است که مصراع نخست آن چنین است: «قَوَاصِدُ كَافُورٍ تَوَارِكُ غَيْرِهِ» (برقوفی، ۱۹۳۸/۱۳۵۷: ۵۱۴/۲).

این مصراع در التمثیل و المحاضره، دلائل الاعجاز، محاضرات الادباء، امثال و حکم، و فیات الاعیان، منظر الانسان و مجمل الاقوال نیز آمده است (ثعالبی، ۱۳۸۱ / ۱۹۶۱: ۲۶۰؛ جرجانی، ۱۹۸۱/۱۴۰۲: ۳۷۹؛ راغب اصفهانی، ۱۹۶۱: ۵۳۷/۲؛ عبدالقادر رازی، ۱۳۷۵: ۳۲۸؛ ابن خلکان، ۱۹۷۸/۱۳۹۸: ۱۰۰/۴؛ همان، ۱۳۸۱: ۵۲۸/۲ و دمانیسی سیواسی، ۱۳۸۱: ۷۵ الف).

إِذَا عَدِمَ الْمَرْءُ الْكَمَالَ فَمَالَهُ حَيَاةً بِهَا يَحْيَا وَ مَالٌ بِهِ يَبْقَى

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۵)

کسی که کمال و بزرگی ندارد، نه در واقع جانی دارد که بدان یزید و نه مالی که به یاری آن پایدار بماند.

گوینده بیت را نیافتم؛ اما باخرزی بیت زیر را که مصرع نخست آن شبیه مصرع اول بیت فوق است، در زمرة اشعار ابوسعید محمد بن حمزه الموصلی آورده است:

إِذَا عَدِمَ الْمَرْءُ الْكَمَالَ فَإِنَّهُ سَوَاءٌ عَلَيْنَا فَقْدُهُ وَ وَجُودُهُ

(باخرزی، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۳: ۱ / ۴۰۶)

تَعَلَّمَ فَإِنَّ الْمَرْءَ يُولَدُ جَاهِلًا وَ لَيْسَ أَخُو عِلْمٍ كَمَنْ هُوَ جَاهِلٌ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۵)

علم و دانش را فراگیر چرا که آدمی جاهل و نادان زاده می شود و صاحب دانش همانند شخص جاهل نیست.

این بیت در روضة العقلاء بدون ذکر شاعر آمده است، با این تفاوت که مصرع نخست آن چنین ضبط شده است: «تعلّم فليس المرء يولد عالماً» (بستی، ۱۹۷۷/۱۳۹۷: ۳۴).

بیت مورد نظر در مجمل الاقوال بدون اشاره به نام سراینده اش، به صورت «تعلّم فليس المرء يولد عالماً / و ليس أخو جهل كمن هو عالم» آمده است (دمانیسی سیواسی، همان: ۲۴ ب).

در منابع دیگری چون البیان و التبيين، النهج المسلوک، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و المستطرف بیت فوق همراه با بیت زیر آمده است:

وَ إِنْ كَبِيرَ الْقَوْمِ لَا عِلْمَ عِنْدَهُ صَغِيرٌ إِذَا التَّفَتُّ عَلَيْهِ الْمُحَافِلُ

(جاحظ، ۲۰۰۰/۱۴۲۱، ۱۸۶/۱؛ شیزری، ۱۴۱۴-۱۹۹۴/۱۴۱۵: ۷۳؛ ابن ابی الحدید، همان: ۲۳۱/۱۸ و

ابشیهی، همان: ۸۴)

بَعِيرٌ بِضَاعَةٌ نَالُوا مِنْهَا مِمْ مَلَمَ يَسْعُونَ فِي ظَلَمِ الْبِضَاعَةِ؟

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۵)

آنان بی هیچ سرمایه‌ای به آرزوهایشان دست یافتند، پس چرا در راه به دست آوردن سرمایه بکوشند؟ سراینده بیت را نیافتیم.

ثَدَافَعِي أَيَّامٌ عَمَّا أَرُومُهُ كَمَا دَفَعَ الدَّيْنَ الغَرِيمُ المَاطِلُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

روزگار مرا از آنچه آهنگ آن می‌کنم باز می‌دارد، همان‌گونه که وامدار از باز پرداخت وام تن می‌زند. این بیت از ابوفراس حمدانی است از قصیده‌ای به مطلع «أَقْلَى فَأَيَّامَ المَحَبِّ قَلَاتِلُ / وَ فِي قَلْبِهِ شَغْلٌ عَنِ اللُّومِ شَاغِلٌ» که در دیوان او با اختلاف «أُرَيْدُهُ» به جای «ارومه» و در یتیمه الدهر با تفاوت «أُرَيْغُهُ» به جای «ارومه» آمده است (← حمدانی، ۱۴۰۴ / ۱۹۸۳: ۱۳۷ و ثعالبی، ۱۴۰۳: ۶۵/۱).

وَ أَخُو الدَّرَايَةِ وَ النِّبَاهَةِ مُتَعَبٌ وَ العَيْشُ عَيْشُ الجَاهِلِ المَجْهُولِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

انسان خردمند و اندیشه‌ور همواره در رنج است و زندگی آسوده از آن انسان نادان گمنام است. این بیت از ابن میکال است که به همراه بیت زیر در شرح دیوان المتنبی آمده است:

العَقْلُ عَنِ ذِكْرِ المَطَالِبِ عَقْلَةٌ عَجَبًا لَأَمْرِ العَاقِلِ المَعْقُولِ

(برقوقی، همان: ۲۵۱/۴-۲۵۲)

همچنین بیت مذکور بدون اشاره به نام سراینده‌اش در شرح کليلة و دمنه اسفزاری هم آمده است (← اسفزاری، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

كُلَّ امْرِئٍ أُسْدِي إِلَيْكَ صَنِيعَةٌ مِنْ عِلْمِهِ فَكَأَنَّهُ مِنْ مَالِهِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

هر کس از علم و دانشش به تو ارزانی دارد، گویی از مال و دارایی‌اش به تو ارزانی داشته است. این بیت از ابوتمام است که در دیوانش به صورت زیر آمده است:

وَ إِذَا امْرُؤٌ أُسْدِي إِلَيْكَ صَنِيعَةٌ مِنْ جَاهِهِ فَكَأَنَّهُ مِنْ مَالِهِ

(ابوتمام، ۱۹۹۷: ۲۹/۲؛ نیز ← تعالی، ۱۳۸۱ / ۱۹۶۱: ۹۵؛ همان، بی تا: ۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۱۹ و نویری، ۱۹۲۴/۱۳۴۲: ۳/۹۵).

كُلُّ نَهْرٍ فِيهِ مَاءٌ قَدْ جَرَى فَالِيهِ الْمَاءُ يَوْمًا سَيَعُودُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

هر جویباری که در آن آب بوده است، بزودی روزی همان آب به آن برمی گردد. این بیت بدون ذکر نام سراینده در التدوین فی اخبار قزوین و نظم العقیان آمده است. (← رافعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۱/۳۰۹ و سیوطی، ۱۹۲۷: ۲۱)

فَلَوْلَا الشَّمْسُ مَا لَمَعَ الثُّرَيَّا وَلَوْلَا الْأَصْلُ مَا زَكَتِ الْفُرُوعُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

اگر خورشید نبود، ستاره پروین پرتوافشانی نمی کرد و اگر ریشه و اصل وجود نمی داشت، شاخه ها شکوفا نمی شدند. گوینده بیت را نیافتم.

فَلَوْ قَبِلَ مَبْكَاهَا بَكَيْتُ صَبَابَةً إِذَا لَشَفِيْتُ النَّفْسَ قَبْلَ التَّنَدُّمِ

وَلَكِنْ بَكَتْ قَبْلِي فَهَجَّ لِي الْبُكَاءُ بُكَاهَا، فَقُلْتُ: الْفَضْلُ لِلْمَتَقَدِّمِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

اگر پیش از گریستن او به خاطر عشق و جوانی می گریستم، پس آنگاه خود را پیش از پشیمانی شفا می بخشیدم. ولی او قبل از من گریست و گریه او مرا به گریستن واداشت، پس گفتم: برتری از آن پیشی گیرنده است.

این ابیات سروده عدی بن رقاع عاملی است که به همراه دو بیت زیر در مقدمه دفتر چهارم مثنوی مولانا، البته با اختلاف «السعدی شَفِيْتُ» به جای «إِذَا لَشَفِيْتُ» آمده است:

وَمَا شَجَانِي أَنِّي كُنْتُ نَائِمًا أَعْلَلُّ مِنْ بَرْدِ بَطِيْبِ التَّنَسُّمِ

إلى أن رَعَتْ ورقاءُ في غُصْنِ أَيْكَةٍ تُعْرَدُ مَبْكَاهَا بِحُسْنِ التَّرْنَمِ

(نیکلسون، ۱۳۷۸: ۱۴۰۹/۴-۱۴۱۰؛ شهیدی، ۱۳۷۹: ۱/۸-۲ و زمانی، ۱۳۸۲: ۱۵/۴-۱۸).

افزون بر این، ابیات فوق در الکامل میرد هم آمده است (← میرد، ۱۹۳۷/۱۳۵۶: ۸۵۰/۳).

سیوطی در المزهَر این ابیات را از تمیم بن مقبل دانسته است (← سیوطی، ۱۹۹۸: ۶۵/۱).

علاوه بر این منابع، قفطی در انباه الرواه خود بیت آخر را بدون ذکر نام شاعر آورده است

(← قفطی، ۱۳۷۴/۱۹۵۵: ۱۴۶/۳ و ۱۴۹؛ نیز بنگرید به: ملطیوی، ۱۳۸۳: ۲۰).

إذا العُصْنُ لَمْ يَثْمِرْ وَلَوْ كَانَ شُعْبَةً مِنْ الثَّمَرَاتِ اعْتَدَهُ النَّاسُ فِي الحَطَبِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۶)

هر گاه شاخه‌ای میوه ندهد، اگر چه از شاخه‌های میوه‌دار منشعب شده باشد، مردم آن را هیزم و

چوب خشک به شمار می‌آورند.

این بیت از ابن الرومی است، از قطعه‌ای به مطلع «و ما الحَسْبُ الموروثُ لا درَّ درَّةُ / بِمَحْتَسَبٍ إِلَّا

بآخرَ مُكْتَسَبٍ» که در دیوان او مصرع نخست به صورت «إذا العُودُ لَمْ يَثْمِرْ وَ إِن كَانَ شُعْبَةً» ضبط شده

است (← ابن الرومی، ۱۹۹۸/۱۴۱۸: ۱۸۹/۱ و مهدوی دامغانی، ۱۳۴۵: ۵۸۱).

بیت فوق در المنتحل با ذکر نام شاعر و در مرزبان‌نامه و مجمل الاقوال بدون اشاره به نام شاعر آمده

است (← ثعالبی، بی تا: ۱۳۴ و ۱۹۲؛ وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۸۸ و دمانیسی سیواسی، همان: ۲۶ ب).

وَ فِي التَّارِيخِ إِنْ أَبْصَرْتَ رُشْدًا فَوَائِدُ مِنْ عُلُومٍ مُسْتَعَارَةً

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۷)

اگر به تاریخ با چشم بصیرت و عبرت‌آموزی بنگری، در آن برای تو از علوم به تو رسیده فایده‌هایی

وجود دارد. سراینده بیت را نیافتیم.

سَتُبْدَى لَكَ الْإِيَّامُ مَا كُنْتَ جَاهِلًا وَ يَأْتِيكَ بَايْخَارٌ مَنْ لَمْ تَزُودْ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۷)

بزودی روزگار آنچه را نمی‌دانی، برایت آشکار خواهد کرد و کسی که او را توشه سفر نداده‌ای، اخبار و احوال را برای تو خواهد آورد.

بیت از معلقه مشهور طرفه بن عبد است به مطلع «لِخَوْلَةٍ أَطْلَالَ بُرْقَةَ تَهْمَدٍ / تَلُوحُ كِبَاقِي الْوَشْمِ فِي ظَاهِرِ الْيَدِ» که در الشعر و الشعراء، لباب الآداب، المنتحل، شرح اخبار و ایات و امثال عربی کلیله و دمنه (دو شرح)، نزهة الأنفس، المستطرف، نهاية الأرب و جامع الشواهد نیز با ذکر نام شاعر آمده است (← ترجمانی زاده، ۱۳۸۵: ۹۷؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۹: ۱۲۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۱۴؛ همان، بی تا: ۱۷۱؛ عراقی، ۱۳۸۷: ۴۱۶؛ اسفزاری و مؤلفی ناشناخته، ۱۳۸۰: ۲۶۰ و ۴۴۸؛ ابشهی، همان: ۶۳۹؛ نویری، همان: ۶۳/۳ و شریف، همان: ۴۵/۲).

افزون بر این، بیت فوق در روض الجنان، سندبادنامه و مصرع دوم آن در تحسین و تقبیح ثعالبی با اشاره به نام شاعر و در کلیله و دمنه بدون اشاره به نام شاعر آمده است (← خزاعی نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۶۷/۱۶؛ ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۶، تحسین و تقبیح، ۱۳۸۵: ۴۷ و کلیله و دمنه، ۱۳۶۱: ۳۱۷).

يَشْقَى أَنَسٌ وَيَشْقَى آخَرُونَ بِهِمْ وَيَسْعُدُ اللَّهُ أَقْوَامًا بِأَقْوَامِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۸)

گروهی از مردم بدبختند و گروهی نیز به واسطه آنان بدبخت می‌شوند و خداوند گروهی را به یاری گروههای دیگر کامیاب (خوشبخت) می‌کند.

این بیت در التمثیل و المحاضره با اختلاف «رجال» به جای «اناس» به صالح بن عبدالقدوس و در تاریخ مدینه دمشق به عروه بن اذینه نسبت یافته است (← ثعالبی، ۱۳۸۱/۱۹۶۱: ۷۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۷/۱۴۱۸: ۱۹۸/۴۰) اما صاحب روضة العقلاء درباره آن می‌نویسد: «و أنشدني الأبرش» (بستی، ۱۳۹۷: ۲۲۷). همچنین بدون اشاره به نام شاعر، همراه با دو بیت دیگر در المنتحل هم آمده است (ثعالبی، بی تا: ۱۹۴)

وَأَعْلَمُ أَنِّي لَمْ تُصِيبْنِي مُصِيبَةٌ مِّنَ الدَّهْرِ إِلَّا قَدْ أَصَابَتْ فَتَى مِثْلِي

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۸)

نیک می دانم که روزگار هیچ مصیبتی را بر سر من نیاورده است، مگر آنکه جوانمرد دیگری هم بدان دچار شده است.

این بیت در تاریخ مدینه دمشق و البدايه و النهايه از معن بن اوس دانسته شده است (← ابن عساکر، ۱۴۱۸: ۴۲۹/۵۹ و ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸: ۱۲۱/۹).

كَفَى زاجراً لِمَرءٍ أَيامُ دَهْرِهِ تَرَوُحُ لَهُ بِالوَاعِظَاتِ وَ تَعْتَدِي

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۸)

برای آگاه ساختن آدمی همین بس که روزگارش با رفتن شبانه و بازگشت بامدادان پنדהا بر او ارزانی می دارد.

این بیت سروده عدی بن زید است (← ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۵۲ و همان، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۲۱) که در المستطرف بدون ذکر نام شاعر و در المنتحل و نهایة الارب با اختلاف «واعظا» به جای «زاجرا» آمده است (← ابشیهی، بی تا: ۵۹؛ ثعالبی، بی تا: ۱۷۲ و نویری، ۱۳۴۲: ۶۵/۳).

وَ أَقْسَمَ المَجدُ حَقّاً لا یحالیفُهُم حَتَّى یحالفَ بَطْنَ الرَاحَةِ الشَّعْرُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۰)

بزرگی سوگند خورده است که هرگز با ایشان هم پیمان نشود، مگر آنکه کف دست موبر آورد (تعلیق به محال است).

این بیت از قصیده‌ای است که در شرح شافیه ابن‌الحاجب آمده و در آن اخطل قبایل قیس عیلان را هجو کرده است (← استرآبادی، ۱۳۵۹: ۴۹۳/۴؛ نیز ← ثعالبی، ۱۴۰۳: ۷۱؛ همان، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۶۱ و نویری، ۱۳۴۲: ۷۷/۳).

یَزیلُ الاکتئابَ وَقَد یؤدّی إلی کُلِّ امرئٍ ما غابَ عَنهُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۰)

(ممدوح) رنج و مصیبت را بر طرف می سازد و به هرکس آنچه را از دست داده است، باز می رساند. گوینده بیت را نیافتم.

بَصیرٌ بأعقابِ الامور کَأَنَّهُ یری بجمیل الظنِّ ما اللهُ صانعُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۱)

او به سرانجام امور بیناست، همان گونه که با خوش گمانی آنچه را خداوند پدید خواهد آورد، می بیند. این بیت در الفرج بعد الشدة به صورت «وَأَنى لَأَرْجُو اللهَ حَتَّى كَأَنى / أرى بجمیل الظن ما الله صانع» به مسکین دارمی و در لباب الآداب و المنتحل به محمد بن وهیب الحمیری نسبت یافته است (← تنوخی، بی تا: ۴۳۹/۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۸۶ و همان، بی تا: ۱۱۱) اما نویسنده عیون اخبار الرضا آن را با اختلاف «حَتَّى كَأَنما» به جای «حَتَّى كَأَنى» به یکی از اهل بیت امام موسی بن جعفر (ع) نسبت داده است (← شیخ صدوق، ۱۹۸۴/۱۴۰۴: ۷۸/۲). افزون بر این در التمثیل و المحاضره و وفیات الاعیان هم به بدون اشاره به نام شاعر آمده است که در منبع اخیر مصرع دوم به صورت «یری بصوابِ الظنِّ ما هُوَ واقعٌ» ضبط شده است (← ثعالبی، ۱۳۸۱/۱۹۶۱: ۹؛ ابن خلکان، ۱۳۹۷/۱۹۷۸: ۴۱۷/۲؛ همان، ۱۳۸۱: ۴۶/۲).

كَرِيمٌ خَبِيرٌ أَخُو مَاقِطٍ نِقَابٌ يَحْدُثُ بِالْغَائِبِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۲)

بخشنده و آگاه و جنگ آزموده است، دانشمندی است که از امور نهانی خبر می دهد. سراینده بیت اوس بن حجر است که در غریب الحدیث، الفائق فی غریب الحدیث و الصحاح به همین شکل و در دیوان او با اختلاف «نجیح ملیح» به جای «کریم خبیر» آمده است. (← هروری، بی تا: ۴۷۸/۴؛ زمخشری، ۱۹۹۶/۱۴۱۷: ۳۳۱/۱؛ جوهری، ۱۹۷۹/۱۳۹۹: ۲۲۸/۱ و اوس بن حجر، ۱۳۸۰ / ۱۹۶۰: ۱۲). این بیت در کتاب الامثال، فصل المقال و مجمع الامثال با تغییر «جواد» به جای «خبیر» و در لباب الانساب با تغییر «جواد شجاع» به جای «کریم خبیر» و در کلیله و دمنه بدون اشاره به نام شاعر و با تغییر «جواد نجیح» به جای «کریم خبیر» نیز آمده است (← ابن سلام، ۱۴۰۰ / ۱۹۸۰: ۱۰۱؛ البکری، ۱۳۹۱ / ۱۹۷۱: ۱۴۲؛ میدانی، بی تا: ۲۸/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۰: ۷۱۷/۲؛ کلیله و دمنه، ۱۳۶۱: ۴۱۰).

گفتنی است مصحح کتاب لباب الانساب بیت فوق را به صورت «جواد شجاع اخونا / قط نقاب یحدث بالغائب» ضبط کرده که آشکارا نادرست است.

سَعِدَتْ بِنُوبِكِرٍ بِشَعْرِ مُسَاوِرٍ إِنَّ السَّعِيدَ بغيرِهِ قَدْ يَسْعُدُ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۳)

قبیله بنوبکر با شعر مساور به سعادت و خوشبختی رسیدند. برآستی که انسان گاه به یاری دیگری کامیاب می شود.

این بیت در شرح حماسه ابی تمام از مساور بن هند بن قیس بن زهیر العبسی دانسته شده است (←الاعلم الشنتمری، همان: ۶۶۵/۲). جالب آنکه بیت فوق در الشعر و الشعراء، التمثیل و المحاضره، لباب الآداب، المنتحل و نهایه الارب به صورت زیر به مساور بن هند نسبت یافته است:

شَقِيْتُ بِنُوْأَسَدٍ بِشَعْرِ مُسَاوِرٍ إِنَّ الشَّقِيَّ بِكُلِّ حَبْلٍ يَخْتَنِقُ

(ابن قتیبه، ۱۹۶۹: ۲۶۵؛ ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۶۸؛ همان، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۶۵؛ همان، بی تا: ۱۹۳ و

نویری، ۱۳۴۲: ۷۴/۳)

مَغْمُوسَةٌ فِي النَّصْرِ يَصْدُرُ عَنْ يَدٍ مَمْلُوءَةٌ ظَفِرًا يَرُوحُ وَيَقْتَدِي

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۴)

او غرق در چیرگی است، این فرایند دستی است آکنده از پیروزی در بامداد و شبانگاه.

این بیت از قصیده مشهور بحتری است به مطلع «أَصْبَا الْأَصَائِلَ إِنَّ بُرْقَةَ مُنْشِدٍ / تَشْكُو اخْتِلَافَكِ بِأَهْبُوبِ السَّرْمَدِ» که آن را در مدح یوسف بن محمد سروده است (←بحتری، بی تا: ۵۴۴-۵۴۵؛ نیز ← ثعالبی، بی تا: ۲۶۰).

إِذَا هُمْ نَكَصُوا كَانُوا لَهُمْ عُقْلًا وَإِنْ هُمْ جَمَحُوا كَانُوا لَهُمْ لُجْمًا

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵)

اگر دست باز می داشتند، برای آنان پای بند بودند و اگر از هوای خود پیروی می کردند، بر ایشان لگام زده می شد.

این بیت از بوتمام است که در دیوانش به جای «کانوا لهم» در هر دو مصراع «کانت لهم» ضبط شده است (←ابوتمام، ۱۹۹۷: ۸۵/۲).

فِي الذَّاهِبِينَ أَيُّوَلِّينَ مِنَ الْقُرُونِ لَنَا بَصَائِرُ

در رفتن امتهای نخستین برای ما پنجهایی نهفته است.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵)

این بیت در بیان و التبین، ثمار القلوب، لباب الآداب، مجمع الامثال و نهاية الارب به قس بن ساعده یادی نسبت یافته و در ادامه آن ابیات زیر آمده است:

لما رأيتُ موارداً للموتِ ليسَ لها مَصادراً
و رأيتُ قومي نَحوها يُضَي ايصاغراً و الاكابر
لا يرجعُ الماضي و لا يبقى من الباقين غابراً
أيقنتُ أئسى لا محاً لة حيثُ صار القومُ صائراً

(جاحظ، ۱۴۲۱: ۲۵۴/۱؛ ثعالبي، ۱۹۶۵/۱۳۸۴: ۱۲۲؛ همان، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۲۲-۱۲۳؛ میدانی، بی تا:

۱۵۲/۱ و نویری، ۱۳۴۲: ۱۲۰/۲)

و ريشُ الخوافي تابعٌ للقوادمِ
پرهای کوچک تابع بالهایند.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵)

مصرع دوم بیتی از بشّار بن برد است که کل بیت در دیوان او به صورت «و لا تجعل الشوری عليك غضاضة / مكان الخوافي قوةً للقوادم» (بشّار بن برد، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳: ۵۹۳) و در الاغانی به صورت «ولا تحسب الشوری عليك غضاضة / فإن الخوافي عدة للقوادم» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲: ۲۱۱/۳) و در وفیات الاعیان به صورت «ولا تجعل الشوری عليك غضاضة / فريش الخوافي تابعٌ للقوادم» ضبط شده است (ابن خلکان، ۱۳۹۷/۱۹۷۸: ۲۷۲/۱؛ همان، ۱۳۸۱: ۲۳۲/۱).

این بیت در بهجة المجالس و التوسل الى الترسل با اختلاف «رافد» به جای «تابع» و در المعجم فی آثار ملوک العجم با اختلاف «قوة» به جای «تابع» نیز آمده است (النمری القرطبی، بی تا: ۴۵۱؛ بغدادی، ۱۳۸۵: ۶۴ و حسینی قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۷).

بیت مزبور در بسیاری از منابع همچون آداب الملوك، التمثيل و المحاضره، محاضرات الادباء، تحسین و تقبیح ثعالبی، روضة العقول و نهاية الارب به همراه بیتی دیگر با اختلافات بسیار جزئی ذکر شده است (ثعالبی، ۱۹۹۰، ۹۲؛ همان، ۱۳۸۱/۱۹۶۱: ۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۹۶۱-۱۹۶۳: ۲۸/۱؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۹۱؛ ملطوی، همان: ۳۳۳ و نویری، ۱۴۳۱: ۷۹/۳) اما کاملترین صورت شعر که چهار بیت دیگر را نیز در بر می گیرد در مجمل الاقوال دیده می شود:

إذا بَلَغَ الرَّأْيُ الْمَشُورَةَ فَاسْتَعْنُ
وَلَا تَجْعَلِ الشُّورَى عَلَيْكَ غَضَاظَةً
وَحَلَّ الْأُيُونَا لِلضَّعِيفِ وَلَا تُكُنْ
وَأَذْنٌ مِنَ الْقُرْبَى الْمُقْرَبِ نَفْسُهُ
وَمَا خَيْرُ كَفٍّ أَمْسَكَ الْعُلَّ أَخْتَهَا
وَمَا خَيْرُ سَيْفٍ لَمْ يُؤْيِدْ بِقَائِمِ

(دمانیسی سیواسی، همان: ۵۳ الف؛ نیز بنگرید به: بشار بن برد، همان)

وَلَنْ تَبْلُغَ الْعُلْيَا بغير التجارب

و هرگز بدون کسب تجربه‌ها به بزرگی و برتری نخواهی رسید.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵)

مصرع دوم بیتی از بشار بن برد است که در دیوان او کل بیت با اندکی اختلاف به صورت زیر آمده

است:

فإنك لا تَسْتَطِرِدُ الْهَمَّ بِالْمَنَى
وَلَا تَبْلُغُ الْعُلْيَا بغير المكارم

(بشار بن برد، همان؛ نیز ← ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲/۲۱۱)

و النفسُ رَاغِبَةٌ إِذَا رَغَبَتْهَا
وَ إِذَا تُرِدُّ إِلَى قَلِيلٍ تَقْنَعُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۶)

اگر نفس را برانگیزی راغب و مایل می‌شود و اگر به اندک بازگردانیده شود، قناعت می‌ورزد.

این بیت از عینیه معروف ابوذؤب هذلی است به مطلع «أمن المنون و ربيها تتوجع / و الدهر ليس

بمعتب من يجزع» که در رثای پنج فرزند خویش که در یک سال به علت ابتلا به طاعون از دنیا رفتند،

سروده است (← مهدوی دامغانی، ۱۳۴۵: ۸۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۳۷).

این بیت در جواهر الکلم، الشعر و الشعراء، مرزبان‌نامه، نهاية الارب و جامع الشواهد (Rayhani،

2007: 937؛ ابن قتیبه، همان: ۱۳؛ وراوینی، ۱۳۵؛ نویری، ۱۳۴۲: ۷۲/۳ و شریف، بی‌تا: ۱۰۲/۳) و دو

بیت دیگر از این قصیده در تاریخ جهانگشای جوینی آمده است (← جوینی، ۱۳۸۲: ۲۷۹/۲). مصرع

دوم این بیت در مجمل الاقوال به صورت «وَ إِذَا قَبِعَتْ فَكُلُّ شَيْءٍ كَافِي» ضبط شده است (← دمانیسی سیواسی، همان: ۴۱ ب).

هِيَ النَّفْسُ مَا حَسَنَتْهُ فَمَحَسَّنُ إِلَيْهَا وَمَا قَبِحَتْهُ فَمَقَبَّحُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۶)

این حال نفس است که هر چه را بیارایی، برایش آراسته می‌نماید و هر چه را زشت‌نمایی، برایش زشت جلوه می‌کند.

بیت از دعبیل بن علی خزاعی است (← خزاعی، ۱۹۷۲: ۱۶۲؛ نیز ← ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۸۹ و نویری، ۱۳۴۲: ۹۱/۳) که در شرح دیوان المتنبی نیز با اختلاف «لديها» به جای «إليها» به او نسبت یافته است (← برقوقی، همان، ۳۰۲/۴). همچنین بدون اشاره به نام شاعر در المنتحل هم آمده است (← ثعالبی، بی تا: ۱۷۶).

وَ غِيظُ الْبَخِيلِ عَلَى مَنْ يَجُو دُعَجَبٌ عِنْدِي مِنْ يُخْلِهِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۶)

خشم بخیل بر بخشنده مرا بیش از بخلش به شکفتی و می‌دارد.

این بیت در التمثیل و المحاضره به همین صورت و در المنتحل با اختلاف «لأعجب» و الله» به جای «اعجب عندي» بدون اشاره به نام شاعر آمده است (← ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۴۴۰؛ همان، بی تا: ۱۳۸). همچنین جمله‌ای مشابه آن از حضرت علی (ع) نقل شده است: «و غيظ البخيل على الجواد اعجب من بخله» (ابن ابی‌الحدید، همان، ۳۰۴/۲۰).

وَ اِيْرَضُ لَوْلا الْعِذَاءُ وَ اِحْدَةٌ وَ النَّاسُ لَوْلا الْفِعَالُ أَشْكَالُ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۷)

اگر غذا نمی‌بود، همه جای زمین یکسان می‌نمود و اگر کردار آدمیان نبود، مردمان همه یکسان و همانند بودند.

این بیت از بحتری است (← بحتری، ۲۰۰۰/۱۴۲۱: ۶۹/۲) که در التمثیل و المحاضره نیز با اختلاف

«العداء» به جای «الغذاء» آمده است (← ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۹۸ و ۲۵۲).

النَّاسُ أَكْبَسُ مِنْ أَنْ يَمْدَحُوا رَجُلًا حَتَّى يَرَوْا عِنْدَهُ آثَارَ إِحْسَانٍ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۷)

مردم زیرک تر از آنند که تا نشانه‌های احسان را در کسی نبینند، زبان به ستایش او بکشایند. این بیت در عیون الاخبار با اختلاف «احداً» به جای «رجلاً» و «قبله» به جای «عنده» به یکی از افراد قبیله بنی حارث و در المحاسن و المساوی به یکی از شعرای محدثین نسبت یافته است (← ابن قتیبه، ۱۹۶۳/۱۳۸۳: ۱۵۹/۳؛ بیهقی، ۱۹۶۰/۱۳۸۰: ۱۲۲).

بیت فوق در وفیات الاعیان با اختلاف «یحمدوا» به جای «یمدحوا» از عبدالملک بن عبدالحمید دانسته شده که به همراه دو بیت زیر در هجای عثمان سروده شده است:

الماءُ في دارِ عثمانَ لَهُ ثَمَنٌ وَالْحُبْرُ فِيهَا لَهُ شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ
عثمانُ يَعْلَمُ أَنَّ الْحَمْدَ ذُو ثَمَنٍ لَكِنَّهُ يَشْتَهِي حَمْدًا بِمَجَّانٍ

(ابن خلکان، ۱۹۷۸/۱۳۹۷: ۷۰/۷ نیز ← مهدی دامغانی، ۱۳۴۱: ۳۲۳)

افزون بر این منابع، بیت مذکور در التمثیل و المحاضره، هجته المجالس، رسائل ابی بکر خوارزمی، کلیله و دمنه و در شرح قدیمی آن، راحة الصدور، مجمل الاقوال و المستطرف نیز بدون اشاره به نام شاعر آمده است (← ثعالبی، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۳۰۵؛ النمری القرطبی، همان: ۵۶۳؛ خوارزمی، ۱۳۸۴: ۳۴۹؛ کلیله و دمنه، ۱۳۶۱: ۱۶؛ اسفزاری و مؤلفی ناشناخته، ۱۳۸۰: ۱۳۲ و ۳۵۶، دمانیسی سیواسی، ۱۳۸۱: ۱۴۹ ب و ابشیهی، بی تا: ۱۳۸).

في نظامٍ من البلاغةِ ما شكَّ امرؤُ أنه نظامٌ فريدٌ

وَمَعَانٍ لَوْ فَصَّلْتُهَا الْقَوَافِي هَجَّجْتُ شِعْرَ جَرُولٍ وَ لَبِيدٍ

حُزْنَ مَسْتَعْمَلِ الْكَلَامِ اخْتِيَارًا وَ تَجَنَّبْتُ ظُلْمَةَ التَّعْقِيدِ

وَرَكِبَ اللَّفْظَ الْقَرِيبَ فَأَدْرُكُنْ بِهِ غَايَةَ الْمَرَامِ الْبَعِيدِ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۰)

او نظامی از بلاغت دارد که کسی در یگانه بودنش تردیدی ندارد.

و مفاهیمی دارد که اگر شعر آن را به تفصیل بیان کند، شعر جربول و لیبید را عیناک می‌سازد. آنان معانی را با گزینش خوب به چنگ آوردند و از تاریکی پیچ و تاب سخن دوری جستند. آنان سخنی نزدیک به فهم را برگزیدند و بدین وسیله نهایت مقصود بعید را دریافتند. این بیتها بخشی از قصیدهٔ بحرّی است که در وصف بلاغت محمد بن عبدالملک زیات سروده و در المنتحل، تاریخ مدینه السلام و شرح دیوان المتنبی آمده است (← تعالی، بی تا: ۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲/۱/۲۰۰: ۵۹۴/۳ و برقوقی، همان: ۱۶۰/۲ و ۲۸۸).

هیهات! بغدادُ الدنیا بأجمعها عندی و سکان بغداد هم الناسُ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۱)

از نظر من بغداد، همهٔ جهان است و ساکنان آن، همهٔ مردمان. این بیت در یتیمهٔ الدهر، ثمار القلوب، ربیع الابرار، معجم البلدان و نهایة الارب از ابن زریق، دبیر کوفی دانسته شده و پیش از آن بیت زیر آمده است:

سافرتُ أبغی لبغداد و ساکنها مثلاً قد اخترتُ شیئاً دونه الیاسُ
(تعالی، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳: ۴۴۲/۲؛ همان، ۱۳۸۴ / ۱۹۶۵: ۵۱۲-۵۱۳؛ زمخشری، ۱۴۱۰: ۳۱۰/۱؛ یاقوت حموی، ۱۳۷۶/۱۹۵۷: ۴۶۱/۱؛ همان، ۱۳۸۰: ۵۹۲/۱ و نویری، ۳۶۰/۱)

تتغذی بها المسمعُ مِنّا فوهی نِعَمَ العذاءُ للاسماع
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۲)

گوشهای ما با آن [کتابها] تغذیه می‌شود، براستی آنها چه غذای گوارایی برای گوشهای ما هستند. این بیت در المنتحل با اختلاف «للأبدان» به جای «للاسماع» به صابی نسبت یافته است.

ب) خاتمهٔ کتاب

وَ كُلُّ نَعِيمٍ لَا مَحَالَةَ زَائِلٌ
هر نعمتی ناگزیر از بین می‌رود.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۸۶)

مصراع دوم بیتی است از لیبید که در دیوان او و نیز عقد الفرید، جواهر الکلم، شرح دیوان المتنبی،

مجمّل الاقوال، جامع الشواهد، المستطرف، تحسین و تقیح ثعالبی و التوسل الی الترسل آمده و مصرع نخست آن چنین است:

الا کلُّ شیءٍ ما خلا الله باطلٌ

(لید بن ربیعۃ، ۱۳۸۶ / ۱۹۶۶: ۱۳۲؛ ابن عبد ربّه، ۱۹۶۷: ۲۷۳/۵؛ Rayhani, ibid: 259؛ برقوئی، ۱۳۵۷: ۷۵/۲؛ دمانسی سیواسی، ۱۳۸۰: ۱۳؛ الف؛ شریف، بی تا: ۱۷۲/۱؛ ابشهی، بی تا: ۱۴ و ۵۴؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۴۸؛ بغدادی، ۵۹).

كأن فجاجٍ ايرض حلقه خاتمٌ
عليه فلا تزدد طولاً و لا عرضاً
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۸۹)

گویی راههای گشاده زمین چون حلقه انگشتری است و بر درازا و پهنای آن چیزی افزوده نمی شود.

این بیت در الاغانی به مجنون بن عامر قیس بن ملح نسبت یافته (← ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۲/۱۴۱۲: ۸۴/۲) و در ثمار القلوب بدون ذکر نام شاعر آمده است (← ثعالبی، ۱۹۶۵/۱۳۸۴: ۶۳۰).

نفسُ المحبِّ علی ای لام صابرةٌ
لعلّ مؤلمها يوماً یداویها
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۸۹)

نفس انسان عاشق بر دردها و مصیبتها صبر پیشه می سازد، باشد که روزی به درد آورنده او دردهایش را درمان کند.

این بیت با ضبط «مسمها» به جای «مؤلمها» از قطعه ای است به مطلع «کم دمعۃ فیک لی ما کنتُ أجریها / و لیلۃ لستُ أفتی فیک أفتیها» که در زمره اشعار منسوب به حلاج است (← حلاج، ۱۴۱۹ / ۱۹۹۸: ۱۹۰).

تُحاسبُ غیرک جهلاً و تُنسی
سَریعَ الحِسابِ شَدیدَ العقابِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۰)

تو به حساب دیگران از سر نادانی رسیدگی می کنی و از یاد بردهای که خداوند سریع الحساب و شدید العقاب است.

عظاملك جوينی در تاریخ جهانگشا این بیت را ضمن قطعه‌ای ملمع از پدرش آورده است (← جوينی، ۱۳۸۲: ۲/۲۵۷). با توجه به تاریخ نگارش تاریخ جهانگشا که پس از تاریخ بیهق نوشته شده، شاید پدر عظاملك آن را تضمین کرده است. احتمال دیگر آن است که چون تنها در یک نسخه از نسخه‌های تاریخ بیهق آمده است، افزوده کاتبان باشد (← مرتضوی، ۱۳۳۹: ۱۰).

حَلاوةٌ دنیاکَ مسمومةٌ فلا تأکلُ الشَّهَدَ الا بِسَمِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۰)

شیرینی و حلاوت دنیایت زهر آلود است، پس هیچ شهدی را بدون زهر نمی خوری. این بیت در روضة الواعظین به ابوالعاهیه نسبت یافته است (← فتال نیشابوری، بی تا: ۴۴۹)، در حالی که در منتخب معجم شیوخ السمعیانی از قول ابوالوفاء سعید بن احمد قرمیسینی آمده است: «انشدنی والدی ابومطیع البیهقی:

و عیشک بالهم مقروئةٌ فلا تقطعُ العیشَ الا بهم
حَلاوةٌ دنیاکَ مسمومةٌ فلا تأکلُ الشَّهَدَ الا بِسَمِ
إذا تمَّ أمرٌ بدًا نقصُهُ توقَّعْ زوالاً إذا قیلَ تمَّ

(← سمعیانی، برگ ۱۱۱ آ، به نقل از بیهقی، ۱۴۲۵/۲۰۰۴: ۵۱۲)

گفتنی است ابیات فوق از قطعه‌ای است منسوب به حضرت علی (ع) به مطلع «إذا كنتَ فی نعمةٍ فارغها / فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ تُزِيلُ النَّعَمَ» (← میدی یزدی، ۱۳۷۹: ۷۰۱-۷۰۲).

ألا إثمًا الدنیا علی المرءِ فتنَةٌ علی کلِّ حالٍ أقبلتْ أو تولَّتِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۰)

هان! به هوش باش که دنیا در همه حال، چه روی آورد و چه روی برگرداند، مایه آزمون و گرفتاری است.

این بیت از محمد بن حازم الباهلی است (← تعالی، ۱۳۸۱/۱۹۶۱: ۸۶ و نویری، ۱۳۴۲: ۳/۸۸) که در المنتحل و اخلاق محتشمی بدون اشاره به نام شاعر آمده است (← تعالی، بی تا: ۱۷۵ و نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۷: ۲۱۰).

كفى حزناً للمرء أيام دهره تروح له بالنائبات و تغتدى

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۰)

برای اندوه آدمی همین بس که روزگارش با رفتن شبانه و بازگشت بامدادان بر او رنج و سختی ارزانی می‌دارد.

بیهقی این بیت را با اختلاف «زاجرا» به جای «حزنا» و «بالواعظات» به جای «النائبات» در مقدمه کتاب نیز آورده است. با این همه، بیت به همین صورت در الاعجاز و الایجاز ثعالبی آمده و به عدی بن زید منسوب شده است (← ثعالبی، ۱۹۹۲: ۱۴۹).

و كيف يرجى المرء فيها سلامةً و ما سلمت منها الحصى و الجنادل

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۰)

آدمی چگونه در این جهان امید سلامت و راحتی داشته باشد در حالی که سنگریزه‌ها و سنگلاخها از آن در امان نیستند. گوینده بیت را نیافتیم.

دنيا تحوّل بأهلها في كل يوم مرتين

فغدوها لتجمّع و رواحها لشتات بين

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

دنیا برای اهل خود در هر روز دو بار دگرگون می‌شود (کنایه از روز و شب).

بامدادان برای گرد آوردن آنان و شبانگاهان برای پراکنده ساختنشان.

این دو بیت در التدوین با اختلاف «تدور» به جای «تحول» و «تشتیت» به جای «لشتات» آمده است و در آنجا گفته شده که علی بن محمد خراز آن را انشاد کرد (← رافعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۲۴۵/۱ و ۱۹۹/۲).

دنيا تتقلّ من قوم إلى قوم

دنیا از قومی به قوم دیگر دست به دست می‌شود.

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

مصراع دوم بیتی از محمد بن عبدالملک زیات، وزیر واثق و متوکل عباسی است که مصراع نخست آن در مروج الذهب و وفیات الاعیان به صورت «لا تجزعن رویداً إیها دول» (← مسعودی، ۱۳۴۶: ۳۷۰/۲ و ابن خلکان، ۱۹۷۸/۱۳۹۸: ۱۰۰/۵) و در الانساب به شکل «لا تخدعنک رویداً إیها دول» آمده است (← سمعانی، ۱۹۸۸/۱۴۰۸: ۱۸۴/۳).

إِئْمَا الدنیا بـلَاءٌ لیس للدنیا ثبوتٌ
 إِئْمَا الدنیا کبیتٌ نَسَجْتُهُ العنکبوتٌ
 (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

براستی دنیا بلا و مصیبت است و ثبات و پایداری ندارد.
 همانا دنیا مانند خانه‌ای است که عنکبوت آن را بافته است.
 این دو بیت از اشعار منسوب به حضرت علی (ع) است (← میبیدی یزدی، همان، ۳۷۴) که با تفاوت «عناء» به جای «بلاء» در ثمار القلوب آمده است (← ثعالبی، ۱۳۸۴ / ۱۹۶۵: ۴۳۳).

و ما دنیایَ إلاّ مثلُ فئیءٍ إظْلَمَ کَ تُمَّ آذَنَ بِالزَّوَالِ
 (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

دنیای تو جز سایه‌ای نیست که بر تو پرده افکنده است و سپس آهنگ کوچ برداشته است.
 این بیت در البدء و التاریخ به همراه بیت زیر که به حضرت علی (ع) منسوب است (← میبیدی یزدی، همان: ۶۱۲)، بدون اشاره به نام سراینده آمده است:

هَبِ الدنیا تُساقُ علیکَ عَفْوَاً ألیسَ مَصیرُ ذاکَ إلی الزَّوَالِ
 (مقدسی، ۱۸۹۹-۱۹۰۳: ۶۳/۲ و ترجمه آن، ۱۳۸۱: ۳۱۲/۱)

گفتنی است بیت فوق به همین صورت در دیوان ابی‌العتاهیه (ابوالعتاهیه، ۱۴۰۰ / ۱۹۸۰: ۳۳۸؛ نیز ← ثعالبی، ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷: ۱۷۳) و نیز با اختلاف «بانتقال» به جای «بالزوال» در شرح ابن ابی‌الحدید آمده است (← ابن ابی‌الحدید، همان: ۱۹ / ۲۹۱).

و فی الاصلِ غِشٌّ و الفروعُ توابعٌ و کیفَ وفاءُ التَّجَلُّلِ و ایبُ غادرٌ
 (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

ریشه دنیا و نیز شاخه‌های آن نیرنگ و فریب است، پس چگونه از فرزند، امید وفا می‌توان داشت در حالی که پدر غدار و فریبکار است.

این بیت سروده ابوالعلاء معری است از قطعه‌ای به مطلع «حَوَّثَنَا شُرُورٌ لَا صَلَاحَ بِمِثْلِهَا / فَإِنْ شَدَّ مِنْهَا صَلَاحٌ فَهُوَ نَادِرٌ» (ابوالعلاء معری، ۱۴۲۴ / ۲۰۰۴: ۳۸۹/۱).

و إنَّ صَلَاحَ الدَّهْرِ قَدْ صَارَ كُلُّهُ فَسَاداً وَ مَا فِي ذَاكَ شَكٌّ وَ لَا رَيْبٌ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

همانا همه خوبی روزگار روی در فساد و تباهی دارد و در این هیچ تردیدی نیست. سراینده بیت را نیافتیم.

الضَّبُّ وَ الْحَوْتُ قَدْ يَرْجِي اجْتِمَاعَهُمَا وَ لَيْسَ يَرْجِي اجْتِمَاعَ الْعِلْمِ وَ الْمَالِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۱)

کنار هم بودن سوسمار و نهنک را می‌توان امید داشت؛ ولی به جمع شدن دانش و ثروت در کنار هم هیچ امیدی نیست.

این بیت به صورت زیر در یتیمه الدهر به ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی نسبت یافته است:

الضَّبُّ وَ النُّونُ قَدْ يَرْجِي اجْتِمَاعَهُمَا وَ لَيْسَ يَرْجِي اجْتِمَاعَ اللَّبِّ وَ الذَّهَبِ
(ثعالبی، ۱۴۰۳/۱۹۸۳: ۳۴۵/۲)

همچنین با اختلاف «التقاؤهما» به جای «اجتماعهما» و «التقاء» به جای «اجتماع» در التمثیل والمحاضره نیز آمده است (همان، ۱۹۶۱/۱۳۸۱: ۱۱۵).

أَيُّ طَالِبِ ائِمَّوَالٍ أَقْصَرَ فَأَيْهَا بِأَخْذِكَ مِنْهَا حِظٌّ عَقْبَاكَ يَبْطُلُ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۲)

ای جوینده مال و ثروت! دست نگهدار چرا که با بهره‌گیری از لذت مال و ثروت، آخرت تو از بین می‌رود. گوینده بیت را نیافتیم.

وَ الْحَرِصُ دَاءٌ عِيَاءٌ لَا دَوَاءَ لَهُ وَ مَنْ أَتَى بَابَهُ يُخْذَلُ وَ لَمْ يَعْنِ
(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۲)

آزمندی دردی است، بی درمان و هر کس به درگاه آن بیاید، خوار و ذلیل می شود و هیچ کس یاری اش نمی کند.

سراینده بیت را نیافتم؛ اما بیت زیر که مشابه آن است به ربیعه الرقی نسبت یافته است:

الحبُّ داءٌ عيَاءٌ لا دواءَ لَهُ إِلَّا نَسِيمٌ حَيِّبٌ طَيِّبِ النَّسَمِ

(بکار، ۱۴۰۴/۱۹۸۴: ۱۲۰)

إِذَا تَمَّ أَمْرٌ دَنَا تَقْصُصُهُ تَوَقَّعُ زَوَالًا إِذَا قِيلَ تَمَّ

(بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۲)

هرگاه کاری به نهایت رسید، نقصان آن نزدیک می شود. پس هرگاه گفتند به اتمام رسید، زوال و کاستی را منتظر باش.

این بیت در دیوان منسوب به حضرت علی (ع) ضمن قطعه‌ای هشت بیتی آمده است که آغاز آن چنین است: «إِذَا كُنْتَ فِي نِعْمَةٍ فَارْعَاهَا / فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ تُزِيلُ النِّعَمَ» (← میدی یزدی، ۱۳۷۹: ۷۰۱-۷۰۲).

همچنین بدون اشاره به نام شاعر در منابع بسیاری همچون عیون الاخبار، بتیمة الدهر، جواهر الکلم، محاضرات الادباء، مجمل الاقوال، راحة الصدور، تاریخ بیهقی، ترجمه تاریخ یمینی، روض الجنان و مرموزات اسدی آمده است (Rayhani, Ibid: 947؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۳ / ۱۹۶۳: ۳۳۲/۲؛ ثعالبی، ۱۴۰۳: ۲۵۹/۴؛ راغب اصفهانی، ۳۸۸/۲ و ۵۲۲؛ دمانیسی سیواسی، ۱۳۸۰: ۱۷۵ الف؛ راوندی، ۱۳۳۳: ۳۶۱؛ بیهقی، ۱۳۸۳: ۲۰۶؛ جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۴۱؛ خزاعی نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۱۷/۱۱ و ۴۳۹/۲۰ و نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

افزون بر این، بیت مذکور با اختلاف «بدا» به جای «دنا» و «ترقب» به جای «توقع» در المستطرف نیز آمده است (← ابشیهی، بی تا: ۸۰).

نتیجه گیری

دقت در مآخذ اشعار عربی کتاب تاریخ بیهق نشان‌دهنده آن است که ابوالحسن بیهقی افزون بر دیوانهای شعری مشهور و بنام عرب، به کتابهای معروف تاریخ و ادبیات هم احاطه داشته و در جای جای اثر مهم و گرانسنگ خود از آنها بهره گرفته است. از سوی دیگر این اشراف و احاطه او

دریغ و افسوس ما را بر از دست رفتن اغلب نگاهشده‌هایش که به زبان تازی بوده دو چندان می‌سازد و بی‌تردید اگر روزی نسخه‌ای از کتابهای مفقود او به دست آید، در آشنایی بیشتر ما با ادبیات عرب و تأثیر آن در حوزه مناطق تحت پوشش زبان فارسی مؤثر خواهد بود. همچنین نقش و سهم ابن فندق را در ارتباط گسترده و تنگاتنگ دو زبان فارسی و تازی بیش از پیش نشان خواهد داد.

منابع

- ۱- ابشیهی، شهاب‌الدین محمد بن احمد. (بی‌تا). *المستطرف فی کل فن مستطرف*، بیروت: دارالجمیل.
- ۲- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله. (۱۹۶۷/۱۳۸۷). *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء المکتب العربی.
- ۳- ابن اثیر، علی بن محمد جزری. (بی‌تا). *اسد الغابه و معرفة الصحابه*، تهران: مکتبه الاسلامیه (افست).
- ۴- ابن الرومی. (۱۹۹۸/۱۴۱۸). *دیوان*، شرح مجید طراد، بیروت: دارالجمیل.
- ۵- ابن حجر العسقلانی، علی بن احمد. (۱۴۱۵). *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت.
- ۶- ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). *منظر الانسان* (ترجمه و فیات الاعیان)، ترجمه احمد بن محمد بن عثمان الشجاع السنجری، تصحیح و تعلیق: فاطمه مدرسی، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
- ۷- _____ (۱۹۷۸/۱۳۹۸). *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ۸- ابن سلام، ابی عبید قاسم. (۱۴۰۰ / ۱۹۸۰). *کتاب الأمثال*، حقه و علّق علیه و قدم له: عبد المجید قطامش، مکه المکرّمه: دار المأمون للتراث.
- ۹- ابن عبد ربّه، ابو عمر احمد بن محمد. (۱۹۶۷). *عقد الفرید*، قاهره.
- ۱۰- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۹۹۷/۱۴۱۸). *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق محب‌الدین عمر بن غرامه العمروی، دمشق.

- ١١- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (١٩٦٩). الشعر و الشعراء، بیروت.
- ١٢- _____ . (١٩٦٣/١٣٨٣). عیون الاخبار، المؤسسة المصرية العامة.
- ١٣- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (١٤٠٨). البداية و النهاية، تحقیق علی شیری، بیروت.
- ١٤- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک. (١٤٢٥-٢٠٠٥/١٤٢٦). السيرة النبویه، تحقیق و تعلیق: سعید محمد اللحام، تقدیم و مراجعه: صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر.
- ١٥- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (١٩٩٢/١٤١٢). الأغاني، تحقیق عبد علی مهنا، بیروت.
- ١٦- ابوالعتاهیه، اسماعیل بن قاسم. (١٤٠٠ / ١٩٨٠). دیوان ابی العتاهیه، بیروت: دار صادر.
- ١٧- ابوالعلاء معری، احمد بن عبدالله. (١٤٢٤ / ٢٠٠٤). دیوان، بیروت: دارالکتب العربی.
- ١٨- ابوتمام، حبيب بن اوس. (١٩٩٧). دیوان ابی تمام، تحقیق محیی الدین صبحی، بیروت.
- ١٩- _____ . (١٩٩٨/١٤١٨). دیوان الحماسه، بروایة ابی منصور موهوب بن احمد الخضر الجوالیقی، شرحه و علق علیه: احمد حسن بسج، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ٢٠- استرآبادی، محمد بن حسن. (١٣٥٩). شرح شافية ابن الحاجب، تحقیق محمد نورالحسن و محمد الزفازف و محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت.
- ٢١- اسفزازی، فضل الله بن عثمان و مؤلفی ناشناخته. (١٣٨٠). شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کليلة و دمنه (دو شرح)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: بهروز ایمانی، تهران: میراث مکتوب.
- ٢٢- اصفهانی، محمود بن محمد. (١٣٦٤). دستور الوزاره، تصحیح و تعلیق از رضا انزابی نژاد، تهران: امیرکبیر.
- ٢٣- الاعلم الشتمری. (١٩٩٢/١٤١٣). شرح حماسه ابی تمام، تحقیق علی المفضل حمودان، بیروت - دمشق.
- ٢٤- البکری، ابی عیید. (١٣٩١ / ١٩٧١). فصل المقال فی شرح کتاب الامثال، حقه و قدم له: احسان عباس و عبدالمجید عابدين، بیروت: دارالامانه و مؤسسة الرساله.
- ٢٥- التنوخی، محسن بن ابی القاسم. (بی تا). الفرج بعد الشدة، قاهره: دارالطباعة المحمدية.
- ٢٦- النمری القرطبی، ابی عمر یوسف بن عبدالله. (بی تا). بهجة المجالس و انس المجالس، تحقیق محمد

- مرسی الخولی، الدار المصریه للتألیف و الترجمة.
- ۲۷- اوس بن حجر. (۱۳۸۰ / ۱۹۶۰). دیوان، تحقیق و شرح محمد یوسف نجم، بیروت: دار صادر و دار بیروت.
- ۲۸- باخرزی، ابی الطیب علی بن الحسن. (۱۴۱۴ / ۱۹۹۳). دمیة القصر و عصرة اهل العصر، تحقیق و دراسه محمد التونجی، بیروت: دارالجيل.
- ۲۹- بحتری، ولید بن عبید. (۲۰۰۰/۱۴۲۱). دیوان البحتری، تحقیق یوسف الشیخ محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۳۰- _____ (بی تا). دیوان، تحقیقه و شرحه حسن کامل الصیرفی، مصر: دارالمعارف، الطبعة الثانية.
- ۳۱- برقوقی، عبدالرحمن. (۱۹۳۸/۱۳۵۷). شرح دیوان المتنبی، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۳۲- بستی، محمد بن حبان. (۱۹۷۷/۱۳۹۷). روضة العقلاء، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت.
- ۳۳- بغدادی، بهاء‌الدین محمد بن مؤید. (۱۳۸۵). التوسل الى التوسل، تصحیح و تحشیة احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
- ۳۴- بکار، یوسف حسین (۱۹۸۴/۱۴۰۴). شعر ربیعة الرقی، بیروت: دارالاندلس.
- ۳۵- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
- ۳۶- بیهقی، ابراهیم بن محمد. (۱۹۶۰/۱۳۸۰). المحاسن و المساوی، بیروت: دار صادر و دار بیروت.
- ۳۷- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید. (۱۳۶۱). تاریخ بیهق، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران: فروغی، چاپ سوم.
- ۳۸- _____ (۲۰۰۵/۱۴۲۵). تاریخ بیهق، ترجمه عن الفارسیه و حقه: یوسف الهادی، دمشق: دار اقرأ، الطبعة الاولى.
- ۳۹- _____ (۱۴۱۰). لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، تحقیق السید مهدی الرجایی، اشرف السید محمود المرعشی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، الطبعة الاولى.

- ۴۰- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۳). **تاریخ بیهقی**، تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمدجعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم.
- ۴۱- ترجانی زاده، احمد. (۱۳۸۵). **شرح معلقات سبع**، با مقدمه و تعلیقات جلیل تجلیل، تهران: سروش، چاپ دوم.
- ۴۲- ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۱۹۹۲). **الاعجاز و الایجاز**، بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- ۴۳- _____ (۱۹۶۱/۱۳۸۱). **التمثیل و المحاضرة**، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلوه، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ۴۴- _____ (بی تا). **المنتحل**، تحقیق احمد ابوعلی، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- ۴۵- _____ (؟). (۱۳۸۵). **تحسین و تقیح ثعالبی**، ترجمه محمد بن ابی بکر بن علی ساوی، تصحیح عارف احمد الزغول، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۴۶- _____ (۱۹۶۵/۱۳۸۴). **ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
- ۴۷- _____ (۱۹۸۳/۱۴۰۳). **یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر**، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۴۸- جاحظ، عمرو بن بحر. (۲۰۰۰/۱۴۲۱). **البيان و التبيين**، قدم لها و بوبها و شرحها علی ابوملحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ۴۹- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۸۱/۱۴۰۲). **دلائل الاعجاز**، تحقیق محمد رشید رضا، بیروت.
- ۵۰- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. (۱۳۸۲). **ترجمه تاریخ یمینی**، مصحح: جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ۵۱- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۷۹/۱۳۹۹). **الصحاح**، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۵۲- جوینی، علاءالدین عطاملک. (۱۳۸۲). **تاریخ جهانگشای جوینی**، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم.
- ۵۳- حسینی قزوینی، شرفالدین فضل الله. (۱۳۸۳). **المعجم فی آثار ملوک العجم**، به کوشش

- احمد فتوحی نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- ۵۴- حلاج، حسین بن منصور. (۱۴۱۹ / ۱۹۹۸). **دیوان الحلاج**، وضع حواشیه و علق علیه: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- ۵۵- حمدانی، ابوفراس. (۱۴۰۴ / ۱۹۸۳). **دیوان**، شرح و تقدیم: عباس عبدالساتر، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- ۵۶- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی. (۱۳۶۵). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن** (مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی)، به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول.
- ۵۷- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۲۰۰۱/۱۴۲۲). **تاریخ مدینه السلام**، تحقیق بشار عواد، بیروت.
- ۵۸- خوارزمی، ابوبکر محمد بن عباس. (۱۳۸۴). **رسائل الخوارزمی**، به تصحیح و تحشیه محمد مهدی پورگل، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- ۵۹- دعبل بن علی خزاعی. (۱۹۷۲). **دیوان دعبل**، جمعه و حقه: عبدالصاحب عمران الدجیلی، بیروت.
- ۶۰- دمانیسی سیواسی، احمد بن احمد. (۱۳۸۱). **مجمل الاقوال فی الحکم و الامثال**، نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران، چاپ اول (عکسی).
- ۶۱- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۹۶۱-۱۹۶۳). **محاضرات الادباء**، بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- ۶۲- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد. (۱۳۷۶). **التدوین فی اخبار قزوین**، تحقیق عزیزالله العطاردی، انجمن مخطوطات ایرانی و نشر عطار.
- ۶۳- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۳۳). **راحة الصدور و آية السرور**، به سعی و تصحیح محمد اقبال، تهران: علمی.
- ۶۴- زمانی، کریم. (۱۳۸۲). **شرح جامع مثنوی معنوی**، تهران: اطلاعات، چاپ هفتم.
- ۶۵- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۰). **ربیع الابرار و نصوص الاخبار**، تحقیق: سلیم النعیمی، قم: دار الذخائر، الطبعة الاولى.

- ۶۶- _____ (۱۹۹۶/۱۴۱۷). الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت.
- ۶۷- سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۹۸۸/۱۴۰۸). الانساب، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان.
- ۶۸- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۹۹۸). المزهرة فی علوم اللغة، تحقیق فؤاد علی منصور، بیروت.
- ۶۹- _____ (۱۹۲۷). نظم العقیان فی اعیان الاعیان، حرره، فیلیب حتّی، بیروت: المكتبة العلمیة [چاپ افست].
- ۷۰- شریف، محمدباقر (بی‌تا). جامع الشواهد، قم: انتشارات فیروزآبادی (افست چاپ اصفهان).
- ۷۱- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۹). شرح مثنوی، ج ۸، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۷۲- شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۹۸۴/۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا، تحقیق حسین الاعلمی، بیروت.
- ۷۳- شیزری، عبدالرحمن بن نصر. (۱۹۹۴/۱۴۱۵-۱۴۱۴). النهج المسلوک فی سياسة الملوك، دراسه و التحقیق: محمد احمد دمج، بیروت: مؤسسه بحسون و دارالمنال، الطبعة الاولى.
- ۷۴- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۸۱). سندبادنامه، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، تهران: میراث مکتوب و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها، چاپ اول.
- ۷۵- عبدالقادر رازی، محمد بن ابی‌بکر. (۱۳۷۵). امثال و حکم، ترجمه و تصحیح و توضیح: فیروز حریرچی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۷۶- عراقی، ابوسعید محمد بن علی. (۱۳۸۷). نزهة الانفس و روضة المجلس، تحقیق و تصحیح: رمضان بهداد، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۷۷- فتال نیشابوری، محمد. (بی‌تا). روضة الواعظین، تحقیق محمد مهدی خراسان، قم: منشورات الرضی.
- ۷۸- فرزدق، همام بن غالب. (بی‌تا). دیوان الفرزدق، بیروت: دار صادر.
- ۷۹- قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف (۱۹۵۵/۱۳۷۴). انباه الرواة علی انباه النحاة، بتحقیق محمد

- ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالکتب المصریه.
- ۸۰- **کلیله و دمنه**. (۱۳۶۱). نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- ۸۱- **لبید بن ربیعۃ العامری**، (۱۳۸۶ / ۱۹۶۶). دیوان، بیروت: دار صادر.
- ۸۲- **میرد، ابی‌عباس**. (۱۹۳۷/۱۳۵۶). **الکامل فی اللغة و الادب و النحو و التصریف**، بتحقیق احمد محمد شاکر، مصر، الطبعة الاولى.
- ۸۳- **مرتضوی، منوچهر**. (۱۳۳۹). «یادداشت‌های مرحوم قزوینی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۲، ش ۱، ص ۱-۱۰.
- ۸۴- **مسعودی، علی بن حسین**. (۱۳۴۶). **مروج الذهب و معادن الجواهر**، بالتزام عبدالرحمن محمد، مطبعة البهیة المصریه.
- ۸۵- **مقدسی، مطهر بن طاهر**. (۱۸۹۹-۱۹۰۳) **البدء و التاريخ**، تحقیق کلمان هوار، پاریس، چاپ اول.
- ۸۶- _____ (۱۳۸۱). **آفرینش و تاریخ**، مقدمه، ترجمه و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، چاپ دوم.
- ۸۷- **ملطوی، محمد غازی**، (۱۳۸۳). **روضة العقول**، به تصحیح و تحشیة محمد روشن و ابوالقاسم جلیل‌پور، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۸۸- **مهدوی دامغانی، احمد**. (۱۳۴۱). «یادداشت‌هایی درباره ابیات عربی کلیله بهرام شاهی و مآخذ و گویندگان آن ابیات»، مجله یغما، سال ۱۵، ش ۷، ص ۳۲۳-۳۲۵.
- ۸۹- _____ (۱۳۴۵). «مآخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه» مجله یغما، سال ۱۹، شماره‌های ۲ و ۱۰ صص ۸۳-۸۶ و ۵۷۹-۵۸۱.
- ۹۰- **میبدی یزدی، کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین**. (۱۳۷۹). **شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب**، مقدمه و تصحیح: حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین، تهران: میراث مکتوب، چاپ دوم.
- ۹۱- **میدانی، احمد بن محمد**. (بی‌تا). **مجمع الأمثال**، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه.

- ۹۲- نجم رازی، ابوبکر عبدالله بن محمد. (۱۳۸۱). *مرموزات اسدی در مرموزات داودی*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، چاپ اول (ویرایش دوم).
- ۹۳- نصیرالدین طوسی، ابوجعفر محمد بن محمد. (۱۳۷۷). *اخلاق محتشمی*، با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۹۴- نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب. (۱۹۲۴/۱۳۴۲). *نهاية الارب في فنون الادب*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- ۹۵- نیکلسون، رینولد الین. (۱۳۷۸). *شرح مثنوی معنوی مولوی*، ترجمه و تعلیق: حسن لاهوتی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ۹۶- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۷۶). *مرزبان‌نامه*، با مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: اساطیر، چاپ سوم.
- ۹۷- هروی، ابوعبید قاسم بن سلام. (بی‌تا). *غریب الحدیث*، تحقیق محمد عبد المعیدخان، حیدرآباد دکن.
- ۹۸- یاقوت حموی. (۱۹۵۷/۱۳۷۶). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- ۹۹- _____ (۱۹۹۳). *معجم الادباء*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- 100- Rayhani, Ali b. Ubayda. (2007). *Persian Wisdom in Arabic Garb* (Ali b. ubayda al-Rayhani and his Jawahir al-kilam wa-faraid al-hikam), Leiden & Boston: Brill.